

مقدمه‌ای بر مکاتب و نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی معرفت و علم

دستیاری در تبیین رابطه معرفت و فرهنگ،

تألیف

دکتر علی ربانی نورستانی

زهرا ماهر

دانشگاه اصفهان

۱۳۹۲

سرشناسه	: ربانی خوراسگانی، علی، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: مقدمه‌ای بر مکاتب و نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی معرفت و علم: جستاری در تبیین رابطه معرفت و فرهنگ / تألیف علی ربانی خوراسگانی، زهرا ماهر.
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ط، ۵۰۲ ص: مصور، جدول.
فروست	: انتشارات دانشگاه اصفهان؛ ۶۰۴
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۱۱۰-۰۶۴-۲
موضوع - فهرست نویسی	: فیفا
یادداشت	: واژه‌نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص ۴۸۱.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: جستاری در تبیین رابطه معرفت و فرهنگ.
موضوع	: ناخست (جامعه‌شناسی)
موضوع	: علوم - پایه‌های اجتماعی
موضوع	: جامعه‌شناسی - تاریخ
شناسه افزوده	: ماهر، زهرا، ۱۳۶۲
شناسه افزوده	: دانشگاه اصفهان
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ HM۸۰۰
رده بندی دیویی	: ۳۰۶/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۱۰۲۳۷



انتشارات دانشگاه اصفهان

تألیف: دکتر علی ربانی، زهرا ماهر
ناشر: دانشگاه اصفهان
ویراستار علمی: فاطمه نصر اصفهانی
نویسندگان: چاپ اول - تابستان ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه اصفهان
بها: ۱۶۵/۰۰۰ ریال
کلیه حقوق نشر برای ناشر محفوظ است

مراکز فروش کتاب:

اصفهان: میدان آزادی - خیابان دانشگاه - فروشگاه کتاب دانشگاه اصفهان

تلفن: ۰۳۱۱-۷۹۳۲۱۷۷ - پُست الکترونیکی: entesharat@ui.ac.ir

تهران: میدان انقلاب - خیابان نصرت - خیابان دکتر قریب، نرسیده به خیابان فرصت - پلاک ۱۱

مؤسسه کتابیران، مرکز پخش کتاب‌های دانشگاهی - تلفن: ۰۲۱-۶۶۵۶۶۵۱-۱۵

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار.....
فصل اول - معرفی جامعه شناسی معرفت جدید و مهمترین مباحث مطرح در آن	
۹	۱-۱- مقدمه.....
۹	۱-۲- تعریف جامعه شناسی معرفت.....
۱۱	۱-۳- انی فلسفی جامعه شناسی معرفت.....
۱۱	۱-۱-۱- تجربه گرایی انگلیسی.....
۱۱	۱-۲-۳- زمینه ها جامعه شناسی معرفت در عصر روشنگری فرانسه.....
۱۲	۱-۳-۳-۱- جامعه آلمان.....
۱۴	۱-۳-۳-۱- جامعه فرانسه.....
۱۵	۱-۳-۳-۱-۲- هگل.....
۱۶	۱-۳-۳-۱-۳- مکتب نوکلفی.....
۱۷	۱-۴-۳-۳-۱- تاریخ گرایی.....
۱۸	۱-۵-۳-۳-۱- ویلهلم دیلتای.....
۱۹	۱-۴-۳-۱- حوزه آمریکا.....
۲۰	۱-۴-۳-۱- معرفت شناسی پراگماتیستی.....
۲۱	۱-۴-۳-۱-۲- جورج هربرت مید.....
۲۱	۱-۴-۳-۱- نقش و کارکرد جامعه شناسی معرفت.....
۲۱	۱-۵-۳-۱- جامعه شناسی معرفت کلاسیک.....
۲۵	۱-۵-۱-۱- کارل مارکس.....
۲۷	۱-۵-۲-۱- کارل مانهایم.....
۲۸	۱-۵-۳-۱-۱- ماکس شلر.....
۳۶	۱-۵-۴-۱- ماکس وبر.....
۳۹	۱-۵-۵-۱- امیل دورکیم.....
۴۲	۱-۵-۶-۱- پیتر برگر و توماس لاکمن.....

۷-۵-۱- رندل کالیتز.....	۴۵
۱-۷-۵-۱- بررسی شبکه های تضاد و توافق در اندیشه ها.....	۴۵
۲-۷-۵-۱- نظریه شعایر تعاملی.....	۵۳
۳-۷-۵-۱- شعایر تعاملی در بین دانشمندان.....	۵۹
۴-۷-۵-۱- فضای توجه نمادین در اجتماعات علمی.....	۶۲
۶-۱- معرفی جامعه شناسی معرفت جدید.....	۶۳
۱-۶-۱- فضاهات مطرح در جامعه شناسی معرفت جدید.....	۶۷
۱-۶-۱- الگوهای اقتدار در سازمان های معرفتی.....	۶۸
۱-۶-۱- قدرت و دانش: میشل فوکو.....	۷۱
۱-۶-۱-۳- دانش و کنش پیر بوردیو.....	۷۳
۱-۶-۱-۴- جنسیت و دانش.....	۷۹
۱-۶-۲- چرخش روش شناختی در جامعه شناسی معرفت جدید.....	۸۳

فصل دوم- بررسی رویکردهای جامعه شناختی در باب مفهوم معرفت و علم

۱-۲- مقدمه.....	۸۹
۲-۲- مفهوم معرفت.....	۹۰
۳-۲- معرفت علمی (علم).....	۹۳
۱-۳-۲- رویکرد عقلانی یا دیدگاه معیار در باب علم.....	۹۷
۱-۳-۲-۱- نظریه پردازان رویکرد عقلانی.....	۹۹
- دیدگاه دور کیم.....	۹۹
- دیدگاه مارکس.....	۹۹
- دیدگاه اشتارک.....	۱۰۰
۲-۳-۱-۲- مکاتب رویکرد عقلانی.....	۱۰۱
- اثبات گرایی.....	۱۰۲
- اثبات گرایی منطقی.....	۱۰۴
- قرارداد گرایی.....	۱۰۵

۲۰۰	۳-۴ دیدگاه دانا هاروی
۲۰۳	۴-۴ دیدگاه ان کاترین هایلز
۲۰۵	۵-۴ دیدگاه کارن باراد
۲۰۶	۶-۴ دیدگاه جوزف روز
۲۱۰	۷-۴ نقد دیدگاه مطالعات فرهنگی علوم

فصل پنجم - مطالعات آزمایشگاهی: رویکرد فرهنگی به تولید دانش

۲۱۳	۱-۵ مقدمه
۲۱۴	۲-۵ تاریخچه مطالعات آزمایشگاهی
۲۱۷	۳-۵ آزمایشگاه مطالعات آزمایشگاهی
۲۱۷	۳-۵ اصول لینچ
۲۱۸	۳-۵ فرایند ساخت نماد ای. کارین نورستینا
۲۱۹	۳-۵ لانور و ولگ
۲۲۱	۴-۵ برنامه تجربی نسبی گرایی (متسبب)
۲۲۸	۵-۵ علم به عنوان یک دغل بار دو بهره: نظریه کنشگر - شبکه (ANT)
۲۲۸	۱-۵ مقدمه
۲۳۱	۲-۵ مفهوم جعبه سیاه
۲۳۴	۳-۵ مفهوم کنشگر-شبکه
۲۴۰	۴-۵ مادی گرایی رابطه ای در نظریه کنشگر-شبکه
۲۴۲	۵-۵ ترجمه: مفهوم کلیدی در نظریه کنشگر-شبکه
۲۴۸	۶-۵ انتقادات نسبت به نظریه کنشگر-شبکه
۲۵۳	۶-۵ نتیجه گیری

فصل ششم - فرهنگ های معرفتی: دیدگاه کارین نورستینا

۲۵۷	۱-۶ مقدمه
۲۵۹	۲-۶ جامعه دانایی و گسترش رویکرد فرهنگی نسبت به دانش
۲۶۰	۳-۶ فرهنگ معرفتی

۲۶۱	۱-۳-۶- پیش فرض های حاکم بر مفهوم «فرهنگ معرفتی»
۲۶۱	۱-۳-۶- سازه چندگانه و نامتجانس علم
۲۶۲	۲-۱-۳-۶- در نظر گرفتن علم به عنوان «رویه»
۲۶۵	۴-۶- دیدگاه نورستینا درباره کارگزاران و موضوعات شناسایی علم
۲۶۷	۵-۶- رابطه با موضوع دانش در فرهنگهای معرفتی
۲۶۹	۶-۶- فرهنگ معرفتی در سطح خرد (مطالعات آزمایشگاهی)
۲۶۹	۶-۶- فیزیک ذرات پرانرژی
۲۷۲	۶-۶-۲- هست شناسی مولکولی
۲۷۵	۶-۶-۳- فرهنگ معرفتی در سطح کلان (کلان معرفتی ها)
۲۷۹	۶-۷-۱- ساختن ساختن مبادلات اقتصادی
۲۸۱	۶-۷-۱-۱- فلسفه شناسی کیهانی
۲۸۲	مشاهده و کاوش در یک صحنه
۲۸۳	استفاده از داده های فحاصل و فحاصل
۲۸۴	ساختار بندی زمانی
۲۸۵	اعتبار سنجی روشن بینانه
۲۸۵	۶-۷-۲- مطالعه بازارهای پولی
۲۸۹	۸-۶- فرهنگ های دانش
۲۹۲	۹-۶- محیط فرهنگی قرارگاههای معرفتی و ویژگیهای آن
۲۹۲	۹-۶-۱- جامعه گرایی
۲۹۴	۹-۶-۲- دیدگاه نورستینا درباره نقش زمان در پردازش های دانش
۲۹۵	۱۰-۶- نتیجه گیری

فصل هفتم - علم در جامعه مخاطره آمیز: دیدگاه الریش بک

۲۹۷	۷-۱- مقدمه
۲۹۷	۷-۲- معرفی نظریه الریش بک
۳۰۵	۷-۳- علمی سازی اولیه و علمی سازی انعکاسی

عنوان

صفحه

۴-۷	انحصار زدایی از علم	۳۱۱
۵-۷	خطا گرایی در نظریه علم	۳۱۲
۶-۷	خطا گرایی در روش تحقیق	۳۱۳
۷-۷	فئودالی شدن روش ادراکی	۳۱۵
۸-۷	قابلیت ارزیابی عوارض جانبی	۳۱۸

فصل هشتم - جامعه دانایی

۱-۸	جامعه دانایی	۳۲۱
۲-۸	روند تاریخی ظهور جامعه دانایی	۳۲۲
۱-۱	جامعه صنعتی	۳۲۳
۸	جامعه اطلاعات	۳۲۴
۲-۲-۸	نمونه شبکه دیجیتال در جامعه اطلاعاتی	۳۲۵
۳-۲-۸	جامعه رانندگی	۳۲۸
۳-۸	جامعه دانایی و معرفتی	۳۳۱
۱-۳-۸	شاخص های جامعه دانایی	۳۳۳
۲-۳-۸	معانی دانش در جامعه دانایی	۳۳۷
۱-۲-۳-۸	تمایز بین دانش و اطلاعات در جامعه دانایی	۳۳۸
۳-۳-۸	دیدگاه جامعه شناسان درباره جامعه دانایی	۳۴۲
۱-۳-۳-۸	دیدگاه نیکو استر	۳۴۲
	دیدگاه استر درباره ماهیت دانش در جامعه دانایی	۳۴۴
	دانش به عنوان "ظرفیتی برای کنش" در جامعه دانایی	۳۴۷
	اجرا و تحقق دانش در جامعه دانایی	۳۴۹
	دیدگاه استر درباره نقش متخصصان در جوامع دانایی	۳۵۲
۲-۳-۳-۸	دیدگاه اورس	۳۵۵
۴-۳-۸	آموزش عالی در جامعه دانایی	۳۵۸
۱-۴-۳-۸	نظریه جرارد دلانتی: دانشگاه عرصه تعامل بین دانش، فرهنگ و جامعه	۳۵۸
۲-۴-۳-۸	نظریه مایکل گیبونز: گذر از شیوه دانشگاهی تولید دانش به شیوه جدید	۳۶۵
	تولید دانش در زمینه کاربرد	۳۶۹

عنوان

صفحه

فرارشته‌ای بودن	۳۷۰
تباین و تنوع سازمانی	۳۷۲
پاسخگویی اجتماعی و استعداد بازاندیشی	۳۷۴
کنترل کیفیت	۳۷۵
شیوه جدید تولید دانش و توده ای شدن آموزش عالی	۳۷۷
توزیع اجتماعی دانش در شیوه جدید تولید دانش	۳۸۱
شیوه جدید تولید دانش و تغییر سیاست های علمی	۳۸۴
نظریه مدل پیچیده سه گانه	۳۸۵
مدل های مختلف مارپیچ سه گانه	۳۸۸
مارپیچ سه گانه است	۳۸۸
مارپیچ سه گانه فلسفه بازار آزاد	۳۸۹
مارپیچ سه گانه برابری	۳۸۹
نظریه پیترو اندکات : مرز از دانشگاه نخبه گرا به نظام آموزش باز	۳۹۱
مدل های سازمانی دانشگاه و جامعه دانایی	۴۰۰
مدل های سازمانی مربوط به آموزش	۴۰۱
مدل های سازمانی مربوط به پژوهش	۴۰۳
مدل های حکومتی سازمانی	۴۰۴
مسئولیت های اجتماعی آموزش عالی در جامعه اطلاعاتی جهانی	۴۰۴
چالش های آموزش عالی در جوامع دانایی	۴۰۵
کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات	۴۰۶
تولید دانایی	۴۰۶
آموزش عالی و زندگی کاری	۴۰۷
آموزش عالی و تغییر نقش دولت	۴۰۸
مؤسسات آموزش عالی در جامعه مدنی	۴۰۹
رابطه علم و عوام در جامعه دانایی	۴۰۹
دیدگاه های سطح کلان درباره رابطه علم و عوام	۴۱۱

عنوان

صفحه

۴۱۲.....	۸-۳-۲- شهروندی علمی
۴۱۳.....	۸-۳-۳- مدل های مربوط به درک عمومی از علم
۴۱۳.....	- مدل نقص گرایانه
۴۱۵.....	- مدل زمینه ای
۴۱۷.....	- مدل مربوط به مشارکت عمومی در علم و فناوری
۴۱۸.....	۸-۴- بحث و نتیجه گیری

فصل نهم - جمع بندی و نتیجه گیری: تأملی بر مهم ترین تحلیل های فرهنگی

در جامعه شناسی علم و فن آوری

۴۲۳.....	۹-۱- مقدمه
۴۲۸.....	۹-۲- انواع (گونه های) تحلیل های فرهنگی ارائه شده توسط جامعه شناسان علم
۴۳۰.....	۹-۲-۱- دوره اول: مطالعه نهی های رسمی و مرکزی علم و فن آوری
۴۳۰.....	۹-۲-۱-۱- دانش به عنوان محور فرهنگی: جامعه شناسی معرفت علمی
۴۳۱.....	۹-۲-۱-۲- اعتبار و اقتدار علم به عنوان منبع فرهنگی: نظریه کنشگر- شبکه
۴۳۵.....	۹-۲-۳- مطالعات آزمایشگاهی
۴۳۶.....	- مطالعه لاتور و ولگار در باب «زندگی آزمایشگاهی»
۴۳۶.....	۹-۲-۴- فرهنگ های معرفتی: دیدگاه کاربوریست
۴۳۸.....	۹-۲-۲- دوره دوم: در فراسوی دیوارهای نهاد علمی
۴۳۹.....	۹-۲-۲-۱- فرهنگ مادی
۴۴۱.....	۹-۲-۲-۲- فرهنگ در جامعه مبتنی بر دانش: کلان معرفتی
۴۴۴.....	۹-۲-۳- معرفت شناسی های مدنی
۴۴۵.....	۹-۳- نتیجه گیری و ارزیابی پایانی کتاب
۴۴۸.....	۹-۳-۱- تأثیر چرخش فرهنگی در نظریه های جدید جامعه شناسی معرفت و علم
۴۵۲.....	۹-۳-۲- ارزیابی کلی تأثیر چرخش فرهنگی در جامعه شناسی معرفت جدید
۴۵۷.....	فرهنگ و ارژگان
۴۸۱.....	فهرست منابع و مآخذ

فهرست زندگی نامه ها

صفحه

عنوان

۴۵.....	رندال کالینز.....
۱۱۷.....	هری کالیتز.....
۱۱۸.....	تروپینچ.....
۱۲۱.....	یکل جوزف مولکی.....
۱۲۲.....	نیگل گیلبرت.....
۱۳۱.....	هلن لکسیو.....
۱۴۲.....	راولت کینگ رتن.....
۱۴۶.....	توماس برهن.....
۲۰۱.....	دانا هاراوی.....
۲۰۴.....	ان کاترین هایلز.....
۲۲۱.....	استیو ولگار.....
۲۵۷.....	کارین نورستینا.....
۳۰۱.....	الریش بک.....
۳۴۴.....	نیکو استر.....

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۹۲	جدول (۱-۸) - مقایسه رویکردهای وجودشناختی و غایت شناختی نسبت به معرفت
۳۲۶	جدول (۱-۲) - مقایسه الگوی جامعه صنعتی و جامعه اطلاعاتی
۳۳۴	جدول (۲-۸) - شاخص های جوامع دانایی از نظر سازمان ملل متحد
۳۳۶	جدول (۳-۸) - ویژگی های جامعه اطلاعاتی و جامعه معرفتی
۳۷۷	جدول (۴-۸) - تفاوت شیوه جدید و شیوه دانشگاهی تولید دانش
۳۸۳	جدول (۵-۸) - شیوه های توزیع اجتماعی دانش
۳۹۹	جدول (۶-۸) - تحول در آموزش عالی: از نظام آموزش نخبه گرا به نظام آموزش باز و توده ای

فهرست شکل ها

۵۱	شکل (۱-۱) - شباهت های فکری جهان اسلام
۲۲۹	شکل (۱-۵) - علم به عنوان یک عمل باز و چهره

پیشگفتار

جامعه‌شناسی معرفت از جمله رشته‌های متاخری است که در قرن بیستم در مواجهه با غلبه نگرش عینی به امور اجتماعی در محافل علمی و پژوهشی پدید آمد. مسئله جامعه‌شناسی معرفت، کاوش در خاستگاه و منشا ظهور اندیشه‌ها و ذهنیت‌های اجتماعی است تا بدین وسیله شرایط اجتماعی و همچنین نسبت متغیرهای موثر بر شکل‌گیری معرفت اجتماعی شناسایی شده و تدبیر و تعمق در آنها، خلوص ادعا شده در معرفت‌های عینی مورد تشکیک قرار گیرد. در داخل این سنت فکری گرایش‌های مختلفی یافت می‌شود، اما همگی بر این هدف مشترک متمرکز هستند که با روشی واریسی مسئله مناقشه برانگیز "تعین اجتماعی معرفت" پردازند.

از آنجا که جامعه‌شناسی معرفت به ایران بیش از دو یا سه دهه نمی‌گذرد و در این مدت عمومیت و فراگیری مورد انتظار را کسب نکرده است. در واقع کمتر پژوهش یا رساله تحقیقی را می‌توان سراغ گرفت که به روشی یک مسئله اجتماعی با رویکرد جامعه‌شناسی معرفت پرداخته باشد. شاید این موضوع به واسطه از خصایص تا حدی منحصر به فرد قلمرو جامعه‌شناسی معرفت باشد. به عبارتی انجام دقیق اجتماعی بر اساس مفروضات، اصول و نظریه‌های جامعه‌شناسی معرفت دارای پیچیدگی‌ها و دشواری‌های متعدد (چه به لحاظ روشی و چه از جنبه نظری) است. فراز و نشیب‌هایی که جامعه‌شناسی معرفت در سیر تاریخی خود تجربه کرده است، حاکی از فقدان یک پارادایم مورد اجماع یا حداقل فراگیر در این حوزه از جامعه‌شناسی است.

یکی دیگر از دلایل کندی دور از انتظار رشد جامعه‌شناسی معرفت و علم در ایران، نبود یا کمبود کتب تالیفی یا ترجمه شده معتبر و جافاده بوده است. به عنوان مثال در سال پیش، چند تالیف (جامعه‌شناسی شناخت دکتر آشتیانی، جامعه‌شناسی علم محمد تقی و جامعه‌شناسی علم منوچهر محسنی) و یک ترجمه (ایدئولوژی و اتوپیا اثر مانهایم ترجمه فریدون آدم‌پور) منتشر شد. تا مدت‌ها بعد از این کتاب‌ها، تالیف مهم و مستقیم دیگری در جامعه‌شناسی معرفت در ایران انتشار نیافت تا اینکه طی دهه گذشته چند کتاب ارزشمند دیگر به بازار عرضه شد.

«جامعه‌شناسی معرفت» تألیف عبدالرضا علیزاده و دیگران (۱۳۸۳) و همچنین کتاب «جامعه‌شناسی معرفت و علم» تألیف دیوید گلوور و دیگران (۱۳۸۳) از جمله این کتاب‌ها هستند. کتاب نخست، به بررسی مبانی جامعه‌شناسی معرفت و نیز پیشینه فکری و فلسفی این رشته پرداخته است و دیدگاه‌های بنیانگذاران این رشته را مورد بررسی قرار داده است. در بخش پایانی این کتاب، رابطه جامعه و معرفت در اندیشه اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. و اما کتاب دوم که کتابی مقدماتی در حوزه جامعه‌شناسی معرفت و علم است، با زبانی ساده، به شرح مسائلی ملموس پرداخته و فهم و دنبال کردن آن برای علاقمندان غیرمتخصص نیز آسان است. از طرفی، نقض این کتاب (به گفته مولف آن)، عدم طرح نظام‌مند مسائل اساسی و چارچوب‌های تئوری عمده هم در جامعه‌شناسی معرفت و هم در جامعه‌شناسی علم است.

«جامعه‌شناسی معرفت» نیز کتاب دیگری است که جواد افشارکهن (۱۳۸۹) ترجمه و تألیف کرده است. وی در شیله است با بررسی روند تاریخی شکل‌گیری حوزه جامعه‌شناسی معرفت، به توضیح گرایش‌های مهم، تاثیرگذار این قلمرو پردازد و چشم‌اندازی از پویای فکری در حال توسعه در این رشته ارائه نموده.

«جامعه‌شناسی معرفتی ادبیات و ارتباطات» نوشته ابراهیم فیاض (۱۳۸۹) از دیگر کتاب‌های منتشر شده در این حوزه است که به بررسی جامعه‌شناسی معرفتی رسانه و ارتباطات می‌پردازد. اینکه چگونه می‌توان از جامعه‌شناسی معرفت به تئوری‌پردازی رسید و یا اینکه آیا جامعه‌شناسی معرفتی همان جامعه‌شناسی ارتباطات است و...، در زمینه‌ای پدیدترین مباحث نظری این کتاب به شمار می‌آید که نویسنده توانسته از طرح مسائل و بحث‌های مرسوم آن‌ها برآید.

و بالاخره، کتاب «مبانی جامعه‌شناسی معرفت» نوشته هوبرت کوبلنچ با ترجمه کرامت... راسخ (۱۳۹۰) آخرین کتاب چاپ شده در این حوزه است. این کتاب از سه بخش عمده تاریخی، نظری و پژوهشی و یک بخش پایانی با عنوان نتیجه‌گیری تشکیل شده است. در بخش اول کتاب - که جنبه تاریخی دارد - پیشکسوتان جامعه‌شناسی معرفت معرفی می‌شوند. بخش دوم با محتوایی نظری به معرفی سه دسته نظریه در جامعه‌شناسی معرفت می‌پردازد: جامعه‌شناسی معرفت با جهت‌گیری پدیدارشناسانه، تحول ارتباطی و سرانجام دگرگونی‌های نظری مبتنی بر ساختارگرایی در چارچوب نظریه فوکو و بوردیو. بخش سوم کتاب محتوایی

پژوهشی دارد و به موضوع‌های امروزی جامعه‌شناسی معرفت و پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه اختصاص یافته است. در بخش پایانی، مولف دیدگاه نظری خود و مبانی جامعه‌شناسی معرفت را مبتنی بر نظریه ساخت اجتماعی واقعیت ترسیم می‌کند.

علیرغم ارزشمندی تمامی این آثار، دو نکته را باید درباره آنها در نظر گرفت: نخست اینکه یکی از این کتاب‌ها صرفاً جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک و مباحث مطرح در آن را مدنظر قرار داده‌اند؛ و برخی دیگر نیز (از جمله کتاب‌های ترجمه شده توسط کرامت ... راسخ و افشارکهن)، به صورت بسیار خلاصه، گذرا و غیر منسجم به طرح مسائل جدید جامعه‌شناسی معرفت و علم پرداخته‌اند، به طوری که نمی‌توانند جنبه آموزشی داشته باشند و به عنوان کتاب درسی دانشگاهیان معرفی گردند.

این در حالی است که در کتاب حاضر، تلاش می‌گردد تا تحولات صورت گرفته در جامعه‌شناسی معرفت و علم به طور منسجم‌تر و نظام‌مند مورد بررسی قرار گیرد. در این کتاب، جامعه‌شناسی معرفت جدید و تغییر آن بر رویکردهای کلاسیک به خواننده معرفی می‌شود و مهم‌ترین مباحث و دیدگاه‌های مطرح در چشم‌انداز جدید مورد تأمل قرار می‌گیرد. ضمن اینکه، این مباحث با هدف تدوین یک منبع مطالعاتی مناسب با اهداف آموزشی، تنظیم و فصل‌بندی شده است.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه‌شناسی معرفت و علم جدید، بداعت و راهگشایی تحلیل فرهنگی در مطالعات علم و معرفت، و در نتیجه اولویت دادن به رفتارها، هنجارها و معرفت فرهنگی است. این یک واقعیت است که ظرف دو دهه گذشته، شاخه فرهنگ یکی از بزرگترین و رو به رشدترین شاخه‌های انجمن جامعه‌شناسی آمریکا به عنوان بزرگترین تشکل جامعه‌شناسی دنیا بوده است و مطالعات فرهنگی و تحلیل فرهنگی یکی از حوزه‌های پر جاذبه جامعه‌شناسی تبدیل شده است. به طور خلاصه از این پس، جامعه‌شناسی فرهنگی هدف خود را کمک به تعریف و بیان دیدگاه‌های نظری جدید در حوزه مطالعات اجتماعی فرهنگ قرار داده است که گستره این مطالعات قلمرو هنر، مذهب، علم، تکنولوژی، رسانه‌ها و سایر سپهرهای اجتماعی که در آنها اشکال فرهنگی ثبت شده و قابل دستیابی‌اند، را در بر می‌گیرد (توکل، ۱۳۸۷).

همین نگرش یعنی برجستگی فرهنگ و بداعت و راهگشایی تحلیل فرهنگی، رویکرد جدیدی را در جامعه‌شناسی معرفت و علم رقم زد. این در حالی بود که در گذشته اکثر جامعه‌شناسان علم و فن آوری، تلاش‌های کمی برای وارد شدن به حوزه رسمی جامعه‌شناسی فرهنگی انجام داده و حتی در برابر تحلیل‌های فرهنگی مقاومت کرده بودند؛ درست به همین ترتیب جامعه‌شناسان فرهنگی نیز در زمینه مسائلی همچون نفوذ فرهنگی علم و فن آوری، فرهنگ علمی و فرایند تولید فن آوری تحلیل‌های ناچیزی ارائه داده بودند. اما در جامعه‌شناسی معرفت و علم جدید، اتخاذ رویکرد فرهنگی نسبت به دانش مستلزم یک نگرش نام‌گرایانه^۱ (در برابر ذات‌گرایانه)^۲ نسبت به علم است، نگرشی که علم را به عنوان یک شکل اجتماعی و تاریخی به‌حیثیه که همواره در حال تغییر دادن خود است، در نظر می‌گیرد. همچنین این رویکرد فرهنگی مستلزم نگرشی به متدولوژی علمی است که آن را در برگیرنده آیین‌ها و فعالیت‌های پیچیده‌ای می‌داند که از مقولات، معانی و نمادهای فرهنگی بهره می‌گیرد (مک‌کارتی، ۱۹۹۶).

از دهه ۷۰ قرن بیستم، جامعه‌شناسی فرهنگ به‌طور فزاینده‌تری به مباحثات پیرامون دانش وارد شد. در آن زمان، جمعی از تحلیل‌گران علم با تحقیقات دقیق پیرامون فرایند شکل‌گیری عقاید در علوم طبیعی مبادرت ورزیدند و در بین جریان‌های نامی انواع ممکن روش مشاهده مستقیم استفاده کردند (بلور ۱۹۷۶، کالینز ۱۹۸۱، کالینز و پینچ ۱۹۸۳، پیکرینگ ۱۹۸۴، لینچ ۱۹۸۵، نورسیتا ۱۹۷۷).

اطلاق عنوان فرهنگی به این رویکرد، گرایش فراگیری را نشان می‌داد که برای درک فعالیت‌های گوناگون دانشمندان و تعدد زمینه‌ها، منابع و امکاناتی که در فعالیت‌های تحقیقی وارد می‌شوند، لازم بود. این عنوان فرهنگی نشانه آن چیزی بود که سکاتزکی^۳ (۲۰۰۰) آن را یک رویکرد مکانی^۴ می‌نامد که به معنای انتخاب یک موقعیت فیزیکی خاص به عنوان صحنه تحقیق است. ما در این کتاب به بررسی «دقیق» روندی می‌پردازیم که جامعه‌شناسان علم و

^۱ Nominalist View

^۲ Essentialist View

^۳ T. Schatzky

^۴ Site Approach

فن آوری و صاحب‌نظران «مطالعات علم و فن آوری»^۱ در آن تحلیل‌های فرهنگی خود را انجام داده‌اند.

بنابراین، این کتاب با این سوال پژوهشی مواجه است که «آیا جامعه‌شناسان معرفت و علم از رویکردها و تحلیل‌های فرهنگی به منظور درک بهتر چگونگی ساخت، تولید و اشاعه دانش استفاده می‌کنند؟» به بیان دیگر، «جامعه‌شناسان معرفت و علم از چه راه‌هایی استفاده می‌کنند تا صدایی از روابط و پیوندهای میان معرفت و فرهنگ را به نمایش گذارند؟»

پس از آشنایی با این مباحث و درک ضرورت پرداختن به آنها - به دلیل تاثیر این مباحث بر امکان‌بومی شبه علم و پیدایش دیدگاه‌های نوین متناسب با تاریخ، فرهنگ و مذهب جامعه ایران - و با این اعتقاد که فهم اندیشه دیگران بر نقد و ارزیابی آنها تقدم دارد، در صدد آن برآمدم که نخست مطالعه پیوسته‌ای را درباره مفاهیم و رویکردهای اصلی جامعه‌شناسی معرفت و علم جدید انجام دهم و آن را به شیوه‌ای روشن و به دور از ابهام در اختیار دانشجویان و محققان رشته جامعه‌شناسی قرار دهم. به این ترتیب در جلد نخست کتاب که اینک پیش روی شماست، به شرح نظریات جدید در این حوزه از جامعه‌شناسی پرداخته‌ایم و امید است تا در جلد دوم زمینه تحلیل، نقد و ارزیابی آنها را فراهم آوریم.

کتاب حاضر که به عنوان منبع درسی و مطالعاتی (برای دروس جامعه‌شناسی معرفت، و جامعه‌شناسی علم و تکنولوژی، و همچنین برای واحدهای رشته مطالعات فرهنگی؛ در مقاطع تحصیلات تکمیلی) تهیه شده است، مشتمل بر فصل اصلی است. در فصل اول ضمن معرفی جامعه‌شناسی معرفت، نظریه‌های اساسی جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک بررسی می‌شود. سپس جامعه‌شناسی معرفت جدید معرفی می‌گردد و تمایزات آن با جامعه‌شناسی معرفت کلاسیک مورد بحث قرار می‌گیرد.

فصل دوم عهده دار بررسی رویکردهای جدید جامعه‌شناختی در باب مفهوم معرفت و علم است و آن را با رویکردهای کلاسیک مورد مقایسه قرار می‌دهد. فصل سوم به معرفی جامعه‌شناسی علمی علم جدید یا جامعه‌شناسی معرفت علمی (SSK) اختصاص یافته است. در این فصل

^۱ Science and Technology Studies

جریان‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی موثر در ظهور جامعه‌شناسی علم جدید و همچنین مهم‌ترین دیدگاه‌های نظری حاکم بر آن مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل چهارم، دیدگاه «مطالعات فرهنگی علم» را معرفی می‌کند و زمینه‌های فکری شکل‌گیری این رویکرد و همچنین مهمترین نظریات آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل پنجم، کوششی است در معرفی یکی از رویکردهای فرهنگی به تولید دانش یعنی مطالعات آزمایشگاهی.

فصل ششم نیز، نظریه فرهنگ‌های معرفتی کارین نورستینا در جامعه‌شناسی علم جدید را مورد مذاکره قرار می‌دهد.

مبانی معرفت‌شناختی و فحیت علم و معرفت در جامعه‌مخاطره‌آمیز و همچنین جامعه‌دانایی از محورهای مطرح در جامعه‌شناسی معرفت جدید هستند. فصول هفتم و هشتم کتاب به این موضوع می‌پردازد. در فصل هفتم با تأکید بر نظریه ال‌ریش بک، وضعیت معرفت علمی در جوامع صنعتی نوین (جامعه‌مخاطره‌آمیز) مورد بررسی قرار گرفته است و فصل هشتم نیز کوششی است در طرح مفهوم جامعه‌دانایی و مبانی و نظریه‌های جامعه‌شناختی مرتبط با آن. و بالاخره در فصل نهم، اصلی‌ترین جریان‌های فرهنگی در جامعه‌شناسی معرفت و علم (و در واقع چکیده‌ای از مباحث مطرح شده در کتاب) خواننده ارائه می‌گردد.

بر خود لازم می‌دانیم، از همه استادان، دانشجویان و پژوهانی که با اظهار محبت خود، ما را در نگارش این کتاب تشویق و همراهی کردند، سپاسگزار باشیم.

از استادان فاضل و گرانمایه، سرکار خانم دکتر ثریا معمار، جناب آقای دکتر سید علی هاشمیان‌فر، که کتاب را مطالعه کردند و تذکرات مفیدی دادند، سپاس تشکر نموده؛ و توفیقات روزافزون ایشان در خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی را ارزومندیم.

سرکار خانم فاطمه نصرافهانی، دانشجوی دکترای گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ویراستاری علمی و ادبی کتاب حاضر را بر عهده گرفتند و با حوصله‌ی بسیار باریک‌بینی ژرف، متن تهیه شده را مرور کرده و نکات محتوایی و ویرایشی بسیار خوبی را یادآور شدند؛ امید است نهایت سپاس و قدردانی ما را بپذیرند.

همچنین، از رئیس محترم انتشارات دانشگاه اصفهان، جناب آقای دکتر یزدان پناه و سایر همکارانشان در دفتر انتشارات به خاطر همکاری‌های صمیمانه و صادقانه‌شان بسیار متشکریم. و در پایان، تشکر و سپاس فراوان متوجه همه دانش پژوهانی که کاستی‌ها و نارسایی‌های کتاب حاضر را بیان خواهند داشت و ما را در اعتلای آن یاری خواهند نمود، و بدان امید که اثری ناجز در راه تعالی دانش انسانی فراهم آمده باشد.

دکتر علی ربانی / زهرا ماهر

بهار ۱۳۹۲